



رویکرد اتحادیه اروپا در قبال ذخایر نفت خام و گاز طبیعی آسیای میانه و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران

قادر شادی‌وند^۱ ■ معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت

مقدمه

اتحادیه اروپا به دلیل ذخایر و تولید اندک از یک سو و مصرف بالا از سوی دیگر، به میزان زیادی وابسته به واردات نفت خام و گاز طبیعی است. این در حالی است که پیش‌بینی‌های موجود نیز حکایت از ادامه این وابستگی در دهه‌های بعدی دارد. با توجه به اطلاعات موجود، تا ۵۰ سال آتی هم‌چنان نفت و گاز سهم عمده‌ای از تأمین انرژی جهان و اروپا را ایفا خواهند کرد و انرژی‌های نو با وجود رشد قابل توجه، کماکان در تأمین انرژی سهم اندکی خواهند داشت. بنابراین مسئله تأمین امنیت انرژی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای وابسته به واردات انرژی از جمله اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

سهم عمده‌ای از واردات نفت و گاز اروپا از طریق روسیه تأمین می‌شود که این امر (یعنی تسلط روسیه بر منابع و مسیرهای تأمین انرژی) موجب ناخرسندی اروپا و تلاش این کشورها جهت تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی است. از مناطقی که در موقعیت جغرافیایی مناسبی نسبت به اروپا قرار دارند، کشورهای غنی از نفت و گاز آسیای میانه و قفقاز هستند که پیش‌بینی‌ها

کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مجموع ۱۶۹۱ میلیون تن معادل نفت خام بوده که برابر با ۱۳/۸ درصد انرژی اولیه مصرفی جهان در همان سال است. نفت خام با ۳۸ درصد و گاز طبیعی با ۲۴ درصد، بیشترین سهم را در تأمین انرژی مصرفی این اتحادیه دارند. زغال‌سنگ، انرژی هسته‌ای و سایر انرژی‌ها به ترتیب با ۱۷، ۱۲ و ۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. (شکل-۱)

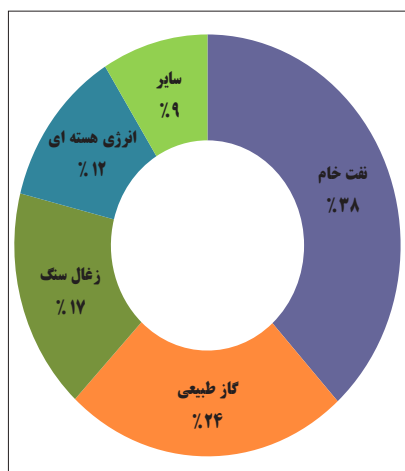
در خصوص ظرفیت تولید این کشورها نشان از توان صادراتی بالای آنها در دهه‌های آتی دارد. از این روی پس از استقلال این کشورها از شوروی سابق تا کنون، کشورهای اروپایی حضور قابل توجهی در طرح‌های نفت و گاز آنها داشته و پروژه‌های مختلفی جهت مهیا کردن مسیرهای انتقال نفت و گاز تولیدی این کشورها به سمت بازارهای مصرفی اروپا معرفی و انجام داده‌اند.

در این میان، تمایل اروپا به کاهش وابستگی به روسیه در حوزه انرژی و افزایش همکاری با کشورهای آسیای میانه، فرصت مناسبی برای ایران جهت ایفای نقش مؤثر منطقه‌ای و جهانی فراهم کرده است. در عین حال، مصرف فزاینده داخلی، عدم ارائه سیاست مشخص صادرات گاز و لزوم همراهی با روسیه، تمایل و توان ایران برای مشارکت در طرح‌های انتقال انرژی به اروپا را دچار تردید کرده است.

۱- وضعیت موجود و آتی تولید، مصرف و

واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا

در سال ۲۰۱۱ مصرف انرژی اولیه در



شکل ۱ | ترکیب سبد انرژی مصرفی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱ [۱]

۱-۱- وضعیت موجود [۱]

سهام کشورهای عضو اتحادیه اروپا از کل ذخایر نفت خام و گاز طبیعی جهان به ترتیب از ۱/۸ و ۴/۶ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۰/۴ و ۰/۹ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. نگاهی به تولید نفت خام و گاز طبیعی این کشورها در دهه گذشته نیز نشان دهنده کاهش قابل توجه تولید این حامل های انرژی است؛ به طوری که تولید نفت خام و گاز طبیعی به ترتیب از ۳۶۸۴ هزار بشکه در روز و ۲۲۷ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۹ به ۱۶۹۲ هزار بشکه در روز و ۱۵۵ میلیارد مترمکعب در سال

۲۰۱۱ کاهش یافته است. این در حالی است که در همین سال کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۱۳ میلیون و ۴۸۰ هزار بشکه در روز نفت خام و ۴۴۸ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی مصرف کرده اند. بنابراین واردات نفت خام و گاز طبیعی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱ به ترتیب معادل ۱۱/۸ میلیون بشکه در روز و ۲۹۳ میلیارد مترمکعب بوده است.

۲-۱- پیش بینی

طبق جدول ۱- براساس پیش بینی آژانس بین المللی انرژی، تولید نفت خام اتحادیه اروپا

با حدود پنجاه درصد کاهش از ۱/۹۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۹۸۴ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت. همچنین تقاضای نفت خام این اتحادیه در افق یادشده روندی نزولی داشته و از ۱۳/۸۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۱۰/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت؛ به طوری که سهم اتحادیه اروپا از مصرف جهانی نفت خام از ۱۵/۹ درصد به ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۳۰ کاهش می یابد.

با توجه به پیش بینی روند تولید و تقاضای نفت خام در افق سال ۲۰۳۰، اختلاف تولید و تقاضای نفت خام اتحادیه اروپا از ۱۱/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۹/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت. اما با توجه به کاهش ۵۰ درصدی تولید، وابستگی ۸۵ درصدی این اتحادیه به نفت وارداتی در سال ۲۰۱۰ به ۹۵ درصد در افق سال ۲۰۳۰ افزایش می یابد.

طبق جدول ۲- در خصوص گاز طبیعی نیز پیش بینی ها حاکی از آن است که تولید گاز طبیعی از ۱۷۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۱۱۲ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۰ کاهش می یابد. در مقابل تقاضای گاز طبیعی از ۴۹۷ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۵۹۱ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت.

با توجه به پیش بینی روند تولید و تقاضای گاز طبیعی، برآورد می شود که وابستگی اتحادیه اروپا به گاز وارداتی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده و از ۶۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۸۱ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد.

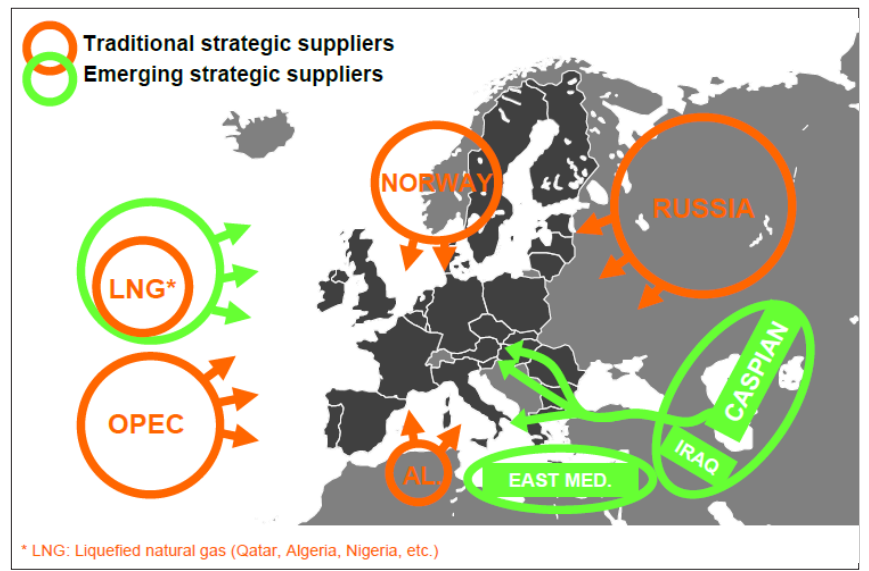
همان گونه که مشاهده شد، اتحادیه اروپا به شدت به واردات نفت و گاز وابسته است و این وابستگی برای دهه های آتی نیز کماکان ادامه خواهد داشت. بنابراین تأمین امنیت انرژی از اولویت های آینده این اتحادیه به شمار می رود.

۱ | روند تولید و مصرف نفت خام اتحادیه اروپا در افق ۲۰۳۰ (واحد: میلیون بشکه در روز) [۲]

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰
تولید نفت خام	۱/۹۵	۱/۷۷	۱/۲۵	۱/۰۶	۰/۹۸
تقاضای نفت خام	۱۳/۸۶	۱۱/۸	۱۱/۳	۱۰/۷	۱۰/۱
اختلاف تولید و تقاضا (واردات)	۱۱/۹۱	۱۰/۰۳	۱۰/۰۵	۹/۶۴	۹/۱۲

۲ | روند تولید گاز طبیعی در اتحادیه اروپا و جهان در افق ۲۰۳۵ (میلیارد مترمکعب در سال) [۲]

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰
تولید گاز طبیعی	۱۷۵	۱۷۶	۱۵۸	۱۲۴	۱۱۲
مصرف گاز طبیعی	۴۹۷	۵۴۰	۵۵۸	۵۷۴	۵۹۱
اختلاف تولید و تقاضا (واردات)	۳۲۲	۳۶۴	۴۰۰	۴۵۰	۴۷۹



۳ | تأمین کنندگان سنتی و نوظهور نفت و گاز اتحادیه اروپا [۶]



۲- مهم‌ترین منابع تأمین واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا جهت تأمین امنیت انرژی خود، ارتباط با کشورهای دارای منابع انرژی و متنوع‌سازی مناطق تأمین‌کننده نفت‌خام و گاز طبیعی را در دستور کار قرار داده است.

در حال حاضر بیشترین واردات نفت‌خام اتحادیه اروپا از کشورهای روسیه (۳۴ درصد) و نروژ (۱۴ درصد) است و کشورهای حاشیه دریای خزر در مجموع تأمین ۹ درصد از واردات نفت این اتحادیه را بر عهده دارند. از نظر واردات گاز طبیعی نیز بیشترین وابستگی اتحادیه اروپا به کشورهای روسیه (۳۲ درصد)، نروژ (۲۸ درصد) و الجزایر (۱۴ درصد)

بوده و سهم دیگر کشورها ناچیز است. لذا در حال حاضر اتحادیه اروپا بسیار وابسته به نفت و گاز وارداتی از روسیه بوده و جهت کاهش این وابستگی در صدد است که با دیگر پتانسیل‌های اصلی عرضه انرژی از قبیل کشورهای خاورمیانه، کشورهای حوزه آسیای میانه و قفقاز و شمال آفریقا وارد همکاری‌های استراتژیک شود. (شکل-۲)

در این میان کشورهای واقع در منطقه آسیای میانه و قفقاز نیز که از پتانسیل بالای ذخایر نفت‌خام و گاز طبیعی و موقعیت مناسبی جهت دسترسی به بازارهای اروپا برخوردارند، مهم‌ترین اولویت اروپا در تنوع‌بخشی به منابع آبی تأمین انرژی به شمار رفته و انتظار می‌رود

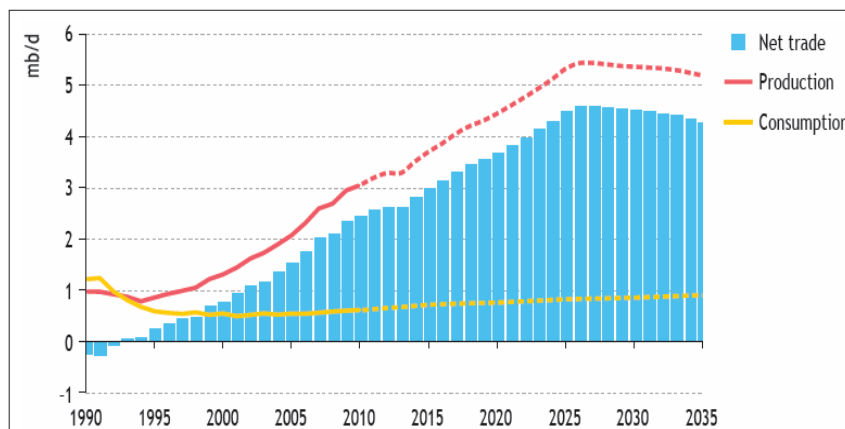
در آینده سهم این کشورها از صادرات نفت‌خام و گاز طبیعی به اتحادیه اروپا افزایش یابد.

۳- وضعیت موجود و آتی نفت و گاز در آسیای میانه و قفقاز

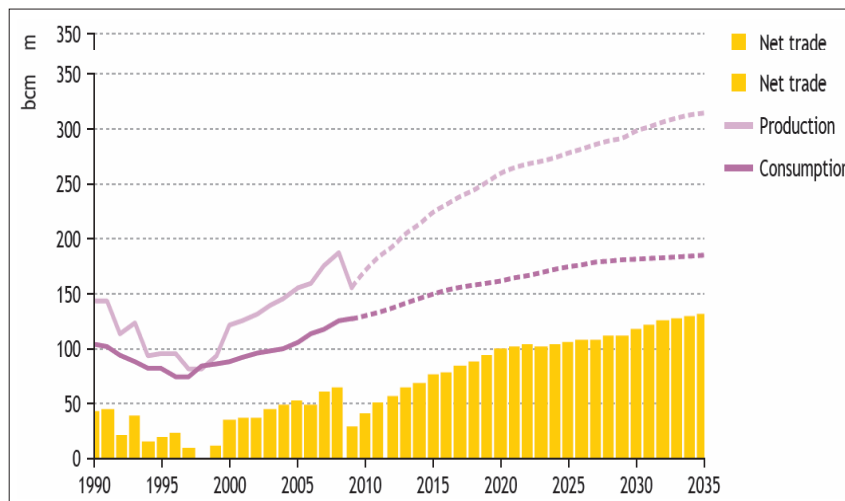
کشورهای دارای منابع هیدروکربوری واقع در منطقه آسیای میانه و قفقاز شامل آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان در مجموع ۲/۳ درصد از ذخایر نفت‌خام و حدود ۱۴ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. این در حالی است که مناطق اکتشاف نشده وسیعی در این کشورها وجود داشته و احتمال افزایش بیشتر میزان ذخایر هیدروکربوری وجود دارد. مطابق شکل‌های ۳- و ۴ مقایسه میزان تولید و مصرف نفت‌خام و گاز طبیعی این کشورها حاکی از آن است که سهم ۳/۸ و ۴/۷ درصدی از تولید و ۰/۰۶ و ۳/۲ درصدی از مصرف نفت‌خام و گاز طبیعی جهان در اختیار آنهاست و بنابراین سالانه ارقام قابل توجهی نفت‌خام و گاز طبیعی تولیدی به صادرات اختصاص می‌یابد. در سال ۲۰۱۰ این کشورها در مجموع، روزانه بیش از ۲/۵ میلیون بشکه نفت‌خام و ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در سال صادر کرده‌اند که با توجه به برنامه‌های توسعه‌ای موجود، این میزان در آینده نزدیک افزایش قابل توجهی خواهد یافت.

براساس پیش‌بینی‌های مؤسسه IEA تولید نفت‌خام این چهار کشور در دو دهه آتی رشد قابل توجهی خواهد داشت که این افزایش ناشی از توسعه میادین موجود و هم‌چنین بهره‌برداری از میادین جدید در قزاقستان و آذربایجان است. بر این اساس تولید نفت‌خام این کشورها از ۳/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۴/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ و ۵/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت و سپس با اندکی کاهش به ۵/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید.

با وجود آنکه با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی در این کشورها تقاضا برای نفت‌خام



شکل ۲ | موازنه تولید و مصرف نفت‌خام در کشورهای منتخب آسیای میانه و قفقاز [۲]



شکل ۳ | موازنه تولید و مصرف گاز طبیعی در کشورهای منتخب آسیای میانه [۲]

شد و دارندگان منابع هیدروکربنی این منطقه کم کم به بازیگران مؤثری در بازار انرژی جهان تبدیل شدند. تمرکز این کشورها بر تنوع بخشی مسیرهای ارتباط با بازارهای صادراتی با هدف مدیریت بهتر منابع خود و هم راستایی این موضوع با خواسته های شرکت های غربی، سبب حضور گسترده این شرکت ها در منابع نفت و گاز کشورهای منطقه شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از کنسرسیوم ها و قراردادهای در حال اجرا در کشورهای حوزه دریای خزر، در حال حاضر بالغ بر ۳۵ شرکت مهم بین المللی در عملیات اکتشاف، توسعه و تولید نفت و گاز در این منطقه حضور دارند که از این تعداد ۱۱ شرکت اروپایی، ۹ شرکت آمریکایی، ۴ شرکت روسی، ۶ شرکت آسیایی و ۵ شرکت از سایر کشورها هستند. از این میان شرکت های اروپایی در عمده ترین منابع نفت و گاز کشورهای منطقه از جمله میدین ACG، شاه دینیز، کاشقان و کاراچاگانک سهام دار هستند.

۴-۲- حمایت از توسعه زیرساخت های بنیادی

و فیزیکی انرژی محور در منطقه دریای خزر

کارشناسان نفتی اروپایی معتقدند که این اتحادیه باید روش های مختلف و مطمئنی را جهت حمایت از توسعه منابع هیدروکربوری منطقه دریای خزر و بهبود دسترسی به این منابع در پیش گیرد که در این راستا می توان به حمایت از توسعه زیرساخت های انرژی و تجارت و اتخاذ سیاست های سرمایه گذاری فعال در منطقه دریای خزر اشاره کرد. البته اجرایی شدن این استراتژی انرژی اروپا با موانعی جدی نیز روبرو است؛ چراکه دیگر کشورهای رقیب به ویژه روسیه و چین نیز از قدرت های منطقه در این زمینه هستند. اما موقعیت مثبت اتحادیه اروپا در برقراری ارتباط با کشورهای حوزه دریای خزر بیشتر از این عامل ناشی می شود که این اتحادیه از نظر مالی و تکنولوژیکی توانایی

میان و قفقاز و یا به عبارتی منطقه دریای خزر در دسترس خواهد بود که این امر نشان دهنده اهمیت استراتژیک این منطقه برای کشورهای مصرف کننده انرژی است.

۴-۲- رویکرد انرژی اتحادیه اروپا در آسیای میانه و قفقاز

با کشف ذخایر گازی قابل توجه در ترکمنستان، اهمیت منطقه از نظر انرژی افزایش یافته و کشورهای شرق و غرب از جمله چین و اتحادیه اروپا با جدیت بیشتری در پی حضور مؤثر در این منطقه خواهند بود. چین با احداث خطوط لوله نفت و گاز و حضور در توسعه میدین کشورهای آسیای میانه تا حد زیادی در تأمین انرژی از این منطقه اطمینان ایجاد کرده است. در عین حال اروپا نیز در راستای بهره مندی از ذخایر غنی نفت و گاز این کشورها، استراتژی های متنوعی را دنبال می کند. در ادامه به مهم ترین رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال ذخایر نفت و گاز حوزه دریای خزر اشاره می شود.

۴-۱- حضور مؤثر در منابع نفت و گاز کشورهای حوزه دریای خزر

بعد از فروپاشی شوروی سابق و شکل گیری کشورهای مستقل در حوزه دریای خزر، چشم انداز نفت و گاز این منطقه دچار تحول

افزایش ملایمی خواهد داشت، اما کماکان نفت خام قابل توجهی برای صادرات وجود خواهد داشت؛ به طوری که بعد از سال ۲۰۲۵ میزان صادرات نفت خام این کشورها به ۴/۶ میلیون بشکه در روز رسیده که این مقدار در نهایت در سال ۲۰۳۵ به ۴/۳ میلیون بشکه در روز کاهش می یابد. این میزان در مقایسه با صادرات ۲/۵ میلیون بشکه در روز این کشورها در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۷۲ درصد رشد را نشان می دهد.

تولید گاز طبیعی نیز در طول دوره مورد بررسی افزایش قابل توجهی داشته و از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۲۶۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ و در نهایت ۳۱۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۵ افزایش خواهد یافت. در مقابل این افزایش تولید، رشد تقاضای گاز کمتر خواهد بود که در نهایت به افزایش صادرات گاز طبیعی منجر خواهد شد و صادرات گاز طبیعی این چهار کشور از ۵۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۱۰۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ و ۱۳۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید. عمده جهش ها در این میان نیز ناشی از افزایش صادرات ترکمنستان و آذربایجان است.

همان گونه که اشاره شد، در دو دهه آتی مقادیر قابل توجهی نفت خام و گاز طبیعی جهت تخصیص به صادرات در کشورهای آسیای

۳ | خطوط لوله صادرات نفت و گاز کشورهای حوزه دریای خزر

ردیف	شرح	نوع	طول	ظرفیت	مبدأ	مقصد
۱	CPC	نفت خام	۱۵۱۰	۱۲۴۰	قزاقستان	روسیه/دریای سیاه
۲	BTC	نفت خام	۱۷۶۸	۱۰۰۰	آذربایجان	ترکیه/مدیترانه
۳	قزاقستان-چین	نفت خام	۲۲۲۸	۴۰۰	قزاقستان	چین
۴	Baku-Supsa	نفت خام	۸۲۳	۱۴۵	آذربایجان	گرجستان/دریای سیاه
۵	Baku-Novorossiysk	نفت خام	۱۳۳۰	۱۰۰	آذربایجان	روسیه/دریای سیاه
۶	Ayrau-Samara	نفت خام	۱۵۰۰	۶۰۰	قزاقستان	روسیه
		ظرفیت کل: (هزار بشکه در روز)		۳۵۸۵		
۷	ترکمنستان-چین	گاز طبیعی	۱۸۲۳	۴۰	ترکمنستان	چین
۸	CAC	گاز طبیعی	۲۰۰۰	۴۴	ترکمنستان	روسیه
۹	BTE	گاز طبیعی	۹۷۰	۱۰	آذربایجان	ترکیه
۱۰	ترکمنستان-ایران	گاز طبیعی	۳۲۰	۱۴	ترکمنستان	ایران
		ظرفیت کل: (میلیارد متر مکعب در سال)		۱۰۸		



سرمایه‌گذاری در فرآیند توسعه مورد نیاز صنعت نفت و گاز و همچنین اقتصاد این کشورها را داراست.

۳-۴- تنوع بخشی منابع تأمین انرژی و کاهش وابستگی به روسیه

همان گونه که بیان شد اتحادیه اروپا از نظر واردات نفت و گاز وابستگی زیادی به روسیه دارد. روسیه در سال‌های گذشته همواره از اهرم نفت و گاز برای اعمال فشار بر کشورهای اروپایی استفاده کرده است. هرچند اتحادیه اروپا قادر به جایگزینی واردات نفت و گاز از روسیه توسط دیگر منابع نیست؛ اما تنوع بخشی منابع تأمین انرژی، قدرت چانه‌زنی این اتحادیه را افزایش داده و به امنیت بیشتر عرضه انرژی منجر خواهد شد.

۴-۴- کسب سهم قابل توجه خطوط لوله موجود صادرات نفت و گاز و توسعه مسیرهای جدید

شرکت‌های اروپایی سهام قابل توجهی از خطوط لوله موجود انتقال نفت و گاز را در اختیار دارند. در حال حاضر شش خط لوله عمده نفت خام و چهار خط لوله اصلی گاز طبیعی، جهت انتقال و صادرات نفت و گاز کشورهای حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی فعال هستند

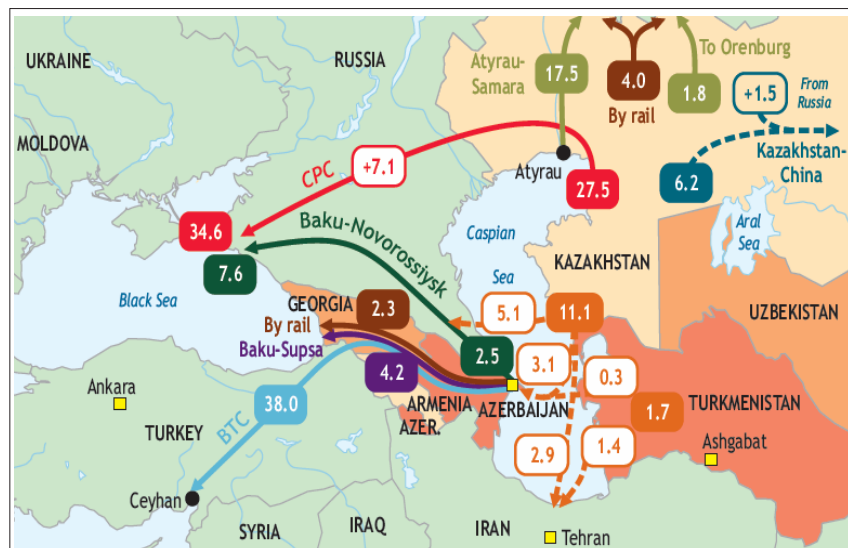
که از این تعداد، پنج خط لوله نفت خام و دو خط لوله گاز طبیعی به طور مستقیم و غیرمستقیم به سمت بازارهای اروپا احداث شده‌اند. با این وجود هنوز هم ۵۷ درصد از ظرفیت خطوط لوله نفت خام و ۴۱ درصد ظرفیت خطوط لوله انتقال گاز طبیعی تحت کنترل روسیه است.

همان گونه که در شکل‌های ۵-۶ مشاهده می‌شود، خطوط لوله CPC و BTC به ظرفیت ۲/۳۴ میلیون بشکه در روز، از مهم ترین خطوط لوله انتقال نفت کشورهای منطقه حاشیه خزر به شمار می‌روند. شرکت‌های اروپایی ENI، BG و Shell به همراه شرکت‌های آمریکایی Chevron و Exxonmobil در مجموع ۳۰/۲ درصد سهام خط لوله CPC و شرکت‌های BP، ENI، Statoilhydro و Total به همراه شرکت‌های آمریکایی Chevron و Conocophilips در مجموع ۶۰/۲ درصد سهام خط لوله BTC را در اختیار دارند. هم چنین شرکت‌های BP، Statoilhydro و شرکت Total نیز در مجموع ۶۱ درصد سهام خط لوله گاز طبیعی باکو-تفلیس-ارزروم (BTE) که به عنوان فاز اول انتقال گاز کشورهای حوزه دریای خزر به اروپا به شمار می‌رود را در اختیار دارند. ظرفیت این خط لوله در صورت اجرا شدن پروژه‌های مکمل از ۱۰ به ۲۰ میلیارد

مترمکعب در سال افزایش خواهد یافت. علاوه بر خطوط لوله موجود، شرکت‌های اروپایی پروژه‌های جدیدی نیز به منظور افزایش ظرفیت انتقال از کشورهای این منطقه تعریف کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به خطوط لوله گاز طبیعی ترانس کاسپین و نابوکو اشاره کرد. خط لوله ترانس کاسپین که ترکمنستان را با ذخایر قابل توجه گاز طبیعی‌اش از طریق بستر دریا به آذربایجان و خط لوله گاز طبیعی باکو-تفلیس-ارزروم (BTE) متصل خواهد کرد، با ظرفیت ۳۰ میلیارد مترمکعب در سال، مهم ترین مرحله از پروژه انتقال گاز کشورهای حوزه خزر به اروپا به شمار می‌رود. خط لوله گاز طبیعی نابوکو به ظرفیت نهایی ۳۱ میلیارد مترمکعب که توانایی انتقال گاز طبیعی کشورهای عراق و ایران را دارد نیز از ترکیه تا مراکز مصرف عمده اروپا امتداد خواهد یافت. البته در حالی که این طرح‌ها به شدت از جانب اتحادیه اروپا حمایت می‌شوند، روسیه نیز در جهت منتفی کردن این طرح‌های مستقل اقدام به تعریف پروژه‌های جدیدی در منطقه کرده که از آن جمله می‌توان به خط لوله Blue Stream از روسیه به ترکیه و خطوط لوله South Stream از طریق بستر دریای سیاه اشاره نمود.

۵-۴- افزایش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و انرژی

کشورهای حوزه دریای خزر که با ضعف ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و قانون گذاری مواجه هستند، به بخش صنعت نفت خود به عنوان موتور محرک اقتصاد نگاه می‌کنند، اما محدودیت‌های بیان شده به همراه کمبود منابع مالی و تکنولوژیکی در برخی از مواقع روند توسعه صنعت نفت را نیز مختل کرده است. در این میان اروپا که مشتاق برخورداری از ذخایر هیدروکربوری این کشورهاست، تلاش دارد با ارائه مشوق‌ها و کمک‌های لازم پیوندهای همه جانبه خود با این کشورها را



شکل ۵ | خطوط لوله صادرات نفت از منطقه دریای خزر (میلیون تن در سال)

تحکیم و توسعه بخشید. اتحادیه اروپا و آمریکا در مجامع بین‌المللی همواره با نفوذ و قدرت سیاسی خود از کشورهای این منطقه حمایت کرده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به حمایت این کشورها از ریاست قزاقستان در سازمان امنیت و همکاری برای اروپا (OSCE) در سال ۲۰۱۰ و همچنین عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی اشاره نمود.

۵- فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران

ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی و سومین دارنده ذخایر نفت‌خام و در مجموع اولین دارنده ذخایر هیدروکربوری جهان، از نظر همسایگی با کشورها و سرزمین‌های حوزه دریای خزر و دسترسی به آب‌های آزاد و همچنین همسایگی با کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.

آنچه مسلم است تأمین امنیت انرژی از طریق برقراری ارتباطی قوی و ایمن با منابع عمده انرژی قابل دست‌یابی بوده و ایران به لطف منابع سرشار و امنیت داخلی خود دارای قابلیت تضمین انجام همه طرح‌های

توسعه و انتقال نفت و گاز بوده و ورود ایران در پروژه‌های جهانی نفت و گاز به استحکام تأمین منابع این طرح‌ها خواهد انجامید. بنابراین افزایش همکاری‌های منطقه‌ای با کشورهای همسایه و تقویت روابط چندجانبه در قالب نهادهای انرژی‌محور، منافع کشورهای ذی‌نفع را تأمین خواهد کرد.

همان گونه که گفته شد ظرفیت تولید نفت‌خام و گاز طبیعی کشورهای حوزه دریای خزر در دهه‌های آتی افزایش قابل توجهی خواهد یافت و ایران می‌تواند با توجه به موقعیت جغرافیایی خود انتقال حجم عمده‌ای از تولید نفت و گاز این کشورها را برعهده داشته باشد. امری که در خلال آن قابلیت تأمین نفت‌خام و گاز طبیعی مورد نیاز استان‌های شمالی از طریق کشورهای حاشیه دریای خزر نیز وجود داشته و از انتقال منابع جنوب کشور به شمال نیز پرهیز خواهد شد. بدیهی است که تعلل در توسعه این همکاری‌های چندجانبه، به نفع کشورهای غربی فعال در منطقه خواهد بود و از نقش مؤثر ایران در منطقه و جهان خواهد کاست.

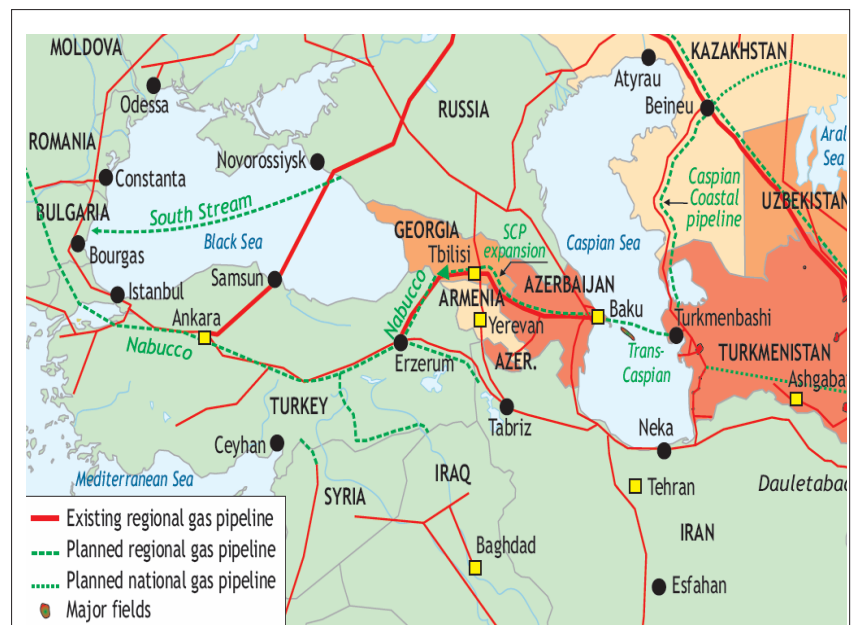
سیاست‌های مغرضانه‌ای هم که از طرف غرب به رهبری آمریکا علیه کشورمان اعمال

می‌شود، با توجه به پتانسیل ایران و با هدف منزوی کردن ایران از معادلات جهانی و به ویژه بازار انرژی است. بنابراین عدم اتخاذ موضعی فعال در این زمینه به نوعی همراهی با تحریم‌های جهانی است. براین اساس به نظر می‌رسد، وجود یک دیپلماسی فعال و برنامه مشخص در زمینه روابط بین‌المللی انرژی (نفت و گاز)، منافع بلندمدت کشور را تأمین خواهد کرد.

امروزه وجود منابع غنی نفت و گاز در کشورهای حاشیه دریای خزر قابل انکار نیست. بنابراین باید به گونه‌ای رفتار کرد تا تهدیدی که ممکن است در اثر از دست رفتن مشتریان نفت و گاز ایران توسط عرضه کنندگان جدید، خسارتی به کشور وارد نکند تبدیل به فرصت مناسبی جهت افزایش منافع ملی گردد. اروپا به دنبال منابع جدید عرضه انرژی است و ایران و کشورهای حوزه دریای خزر می‌توانند به خوبی نقش این منبع را ایفا کنند. ذخایر گازی ایران و ترکمنستان به راحتی می‌تواند به کمک زیرساخت‌های موجود و توسعه زیرساخت‌های جدید در کشور به خطوط لوله انتقال گاز طبیعی به سمت اروپا بپیوندد که این امر علاوه بر تأمین منافع کشورهای ذی‌نفع، به افزایش امنیت منطقه نیز خواهد انجامید.

همان گونه که بیان شد، در صورت احداث خط لوله ترانس کاسپین از بستر دریای خزر امکان صادرات گاز آسیای میانه، مستقل از ایران و روسیه وجود خواهد داشت که در این صورت هیچ منافی نصب کشورمان نخواهد شد. بنابراین ایران باید از طریق معرفی گزینه‌های جایگزین از اهمیت اجرایی این طرح که به شدت توسط اتحادیه اروپا حمایت می‌شود، بکاهد.

هرچند فرصت‌های مناسبی برای توسعه منافع داخلی و بین‌المللی کشور از طریق افزایش همکاری‌های بین‌المللی انرژی‌محور منطقه‌ای وجود دارد اما برخی مشکلات موجود می‌تواند این موقعیت‌ها را با



شکل ۶ | خطوط لوله صادرات گاز طبیعی کشورهای حوزه دریای خزر



چالش‌هایی روبرو کند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مصرف زیاد حامل‌های انرژی در داخل کشور به ویژه در زمینه گاز طبیعی و عدم پیروی از سیاست شفاف و جدی افزایش صادرات گاز اشاره کرد که منجر به تردید کشورهای اروپایی در توانایی ایران برای صادرات گاز طبیعی شده است. همین امر سبب شده تا اتحادیه اروپا در محاسبات خود سهم کمی به ایفای نقش ایران تخصیص دهد. به طور مثال در پروژه‌های مانند خطلوله گاز طبیعی نابوکو، تأمین حداقل سالانه ۱۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از عراق در نظر گرفته شده است؛ در حالی که سهم ایران در حد صادرات فعلی به ترکیه دیده شده و این در شرایطی است که ذخایر گاز طبیعی ایران قابل مقایسه با ذخایر کشوری مثل عراق نیست. البته باید به این امر نیز توجه کرد که پیوستن به پروژه‌های بین‌المللی توسعه و انتقال که کشورهای زیادی در آنها درگیر هستند، ممکن است در برخی مواقع با سیاست‌های کلی نظام در تضاد باشد.

از سویی دیگر باید توجه کرد که پیوستن ایران به کشورهای آسیای میانه و آذربایجان جهت صادرات مستقل گاز به اروپا، با سیاست روسیه که مخالف ارتباط مستقیم بین این دو منطقه است در تضاد بوده و از آنجا که مواضع بین‌المللی ایران و روسیه در بسیاری از مواقع بسیار نزدیک است، موضع‌گیری در این زمینه در تضاد با منافع روسیه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا به دلیل مصرف بالای انرژی و توان تولید اندک داخلی، همواره از بزرگ‌ترین واردکنندگان نفت خام و گاز طبیعی جهان به شمار می‌رود و در دهه‌های آتی نیز این وابستگی افزایش خواهد یافت. وابستگی شدید واردات نفت و گاز اتحادیه اروپا به مسیرهای تحت کنترل روسیه و مشکلات به وجود آمده در سال‌های پایانی قرن بیستم، امنیت عرضه انرژی از این مسیرها را کاهش داده است. از این رو تنوع‌بخشی به مسیرها و منابع تأمین انرژی از اولویت‌های اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. با توجه به منابع فراوان هیدروکربوری و مسیرهای دسترسی، بهترین گزینه پیش‌روی اروپا، کشورهای حوزه دریای خزر است.

کشورهای آسیای میانه و قفقاز به علت نیازهای مبرم به درآمدهای نفت و گاز جهت سروسامان دادن به اقتصاد ضعیف خود، مایل به افزایش همکاری با شرکت‌های معتبر بین‌المللی انرژی بوده و عواملی از جمله کمبود منابع مالی و تکنولوژیکی و پیشینه روابط سیاسی با روسیه، این کشورها را به سمت اروپا و آمریکا سوق می‌دهد. با این وجود تمایل دیگر کشورهای نیازمند به انرژی از جمله چین به حضور در منابع نفت و گاز منطقه حاشیه دریای خزر موجب رقابت جدی بین شرکت‌های حاضر در منطقه شده است.

اتحادیه اروپا با علم به منابع قابل توجه نفت و گاز کشورهای آسیای میانه و قفقاز، بر

گسترش روابط همه‌جانبه با این کشورها تمرکز کرده، هرچند در این راه با موانعی از سوی دیگر کشورها نیز مواجه شده است؛ به طوری که اجرای برخی از پروژه‌های توسعه‌ای به تعویق افتاده و یا در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته است. با این وجود به نظر نمی‌رسد که جلوگیری از اجرای پروژه‌های توسعه‌ای نفت و گاز کشورهای این منطقه در بلندمدت امکان‌پذیر باشد. در این میان تنها کشورهای منتفع خواهند شد که حضوری فعال و مؤثر در منطقه داشته باشند.

ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و منابع غنی گازی، از امکان مشارکت با کشورهای آسیای میانه جهت صادرات به اروپا برخوردار است که این امر در تضاد با سیاست‌های روسیه است. لذا تصمیم‌گیری هوشمندانه ایران، منافع بلندمدت کشور را تأمین خواهد کرد. اروپا به این موضوع واقف است که همراهی ایران با پروژه‌های انتقال نفت و گاز کشورهای آسیای میانه و قفقاز به اروپا، بر استحکام و امنیت منابع عرضه این طرح‌ها خواهد افزود و ذخایر سرشار هیدروکربوری ایران به سادگی و به خاطر جار و جنجال‌های سیاسی کوتاه‌مدت قابل چشم‌پوشی نیست. در این زمینه ضروری است ایران نیز با توجه به فرصت پیش آمده و تمایل اروپا به کاهش وابستگی به روسیه، در خصوص توسعه روابط بین‌المللی انرژی خود سیاست شفاف و روشنی را در پیش گیرد.

پانویس‌ها

¹g.shadivand@gmail.com

منابع

- | | |
|---|--|
| [1] BP Statistical Review of World Energy, 2012 | [6] "BACKGROUND ON ENERGY IN EUROPE", European Council, February 2011 |
| [2] World Energy outlook, IEA, 2011 | [7] STATISTICAL YEARBOOK of KAZAKHSTAN IN 2010, Agency on Statistics of the Republic of Kazakhstan |
| [3] "EU energy and transport in figures", European commission, 2012 | [8] BP in Azerbaijan Sustainability report. 2012 |
| [4] "Energy, transport and environment indicators", eurostat, 2012 | [9] JSC KazMunaiGas Exploration Production, annual report, October 2011 |
| [5] "OIL AND GAS DELIVERY TO EUROPE", Susanne NIES, 2011 | |